

شاخص‌های شفافیت مالی و اقتصادی در نظام بانکی از منظر حقوق موضوعه

محمد جواد روستا سکه روانی^۱، سمیرا شاهرودی^۲

^۱مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۲کارشناسی ارشد حقوق، گرایش مالی - اقتصادی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

چکیده

هدف از این مقاله حاضر شاخص‌های شفافیت مالی و اقتصادی در نظام بانکی از منظر حقوق موضوعه است. جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و در قالب فیش برداری بوده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات بصورت توصیفی - تحلیلی بوده است. بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی هر کشوری محسوب می‌شوند. حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و نقش مهم آنها در هدایت اقتصاد کشور نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌هاست. شفافیت مالی و اطلاعاتی، هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌شود. در صورتی که شفافیت و اصول حاکم بر آن مطابق با قوانین تعیین شده در حقوق موضوعه و احکام فقهی اسلامی پیش برود. مشکلی در نظام مالی و اقتصادی بوجود نخواهد آمد. و نظام بانکداری با توجه به اصل شفافیت و پیروی از اصول فقهی اسلامی با در اختیار قرار دادن منابع مالی مورد نیاز بخش‌ها و سازمان‌ها می‌تواند زمینه توسعه کشور را در سایر بخش‌ها را فراهم کند. در صورتی که شفافیت در بحث نظارت و مشروعیت و اطلاعات در نظام بانکی وجود داشته باشد. این موجب افزایش مسئولیت‌پذیری، بهبود عملکرد مالی بانک‌ها، آشتی بیشتر مردم - به عنوان صاحبان سرمایه‌های خرد و کلان - با بانک‌ها، مشارکت حداکثری آنها در سرمایه‌گذاری و تعامل با بانک‌ها خواهد شد و از تمایل سرمایه‌های نقدی به طرف بازارهای غیر رسمی، رانت جوئی در اقتصاد و یا خروج منابع از کشور تا حد زیادی خواهد کاست. با نتایجی که از تحلیل به دست آمد به این نکته مهم دست یافتیم که نظام بانکداری کشور، هنوز در میانه راه قرار دارد، به این معنا که قوانین بانکداری کشور به لحاظ فقهی و حقوقی با اشکال مواجه نیستند، زیرا در زمان تصویب قوانین بانکداری اسلامی هم شورای نگهبان انطباق این قوانین با شرع مقدس اسلام را تایید کرده است و هم مراجع آن زمان این قوانین را تایید کردند. البته این به معنای آن نیست که بهتر از این نمی‌شد قوانین را وضع کرد، بلکه باید توجه داشت که همواره امکان ایجاد وضعیت مطلوب‌تر وجود دارد و می‌توان با مطالعه مجدد و بازنگری، از عقود دیگری در قانون بانکداری استفاده کرد که پیش از این به هر دلیل، قانون‌گذاران به آن توجه نداشته‌اند. سواستفاده‌ها و عدم شفافیت مالی در بانک‌ها می‌تواند تدریجاً اعتماد سپرده‌گذاران و سهامداران و بطور کلی ذینفعان را نسبت به مسئولیت مدیریت بانک‌ها تضعیف نماید. جلب اعتماد عمومی به کیفیت اطلاع مشتریان و ذینفعان و نیاز به اطلاعات بیشتر و بهتر و شفافیت مالی و افشای اطلاعات بانکی از راهکارهای مهم در رفع این معضل است.

کلمات کلیدی: شفافیت مالی و اقتصادی، نظام بانکی، حقوق موضوعه.

مقدمه

امروزه بانک‌ها و موسسات خصوصی و دولتی برای رضایت مشتریان خود در عرصه رقابت نرخ سود بانکی را بالا برده‌اند. یکی از متغیرهای اساسی در فعالیتهای بانکی، تصمیم‌گیری برای نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی است. این تصمیم افزون بر آثار فقهی و حقوقی، آثار متعدد اقتصادی نیز بر جای می‌گذارد، مطالعات نظری و تجربی نشان می‌دهد که تغییر نرخ‌های سود بانکی، روی حجم سپرده‌ها، ترکیب انواع سپرده‌ها، سرمایه‌گذاری و نرخ تورم تاثیر می‌گذارد؛ بنابراین، هر نوع تغییری باید با رعایت دقیق ابعاد فقهی، حقوقی و کارشناسی و تشخیص جایگاه هر یک از متغیرهای کلان و میزان حساسیت آنها در ارتباط با تغییرات نرخ سود بانکی باشد. امروزه نظام اقتصادی بر مبنای شرایط و سیاست‌های حاکم بر بانکداری پیش می‌رود. و مهم‌ترین اصلی که در نظام اقتصادی بخصوص در زمینه بانکداری مهم و ضروری است. اصل شفافیت در نظام مالی و بانکداری است. در صورتی که شفافیت و اصول حاکم بر آن مطابق با قوانین تعیین شده در حقوق موضوعه پیش بروند. مشکلی بوجود نخواهد آمد. اما آن چیزی که ما مشاهده می‌کنیم چندان با قوانین موجود نیست.

مبانی نظری

بانکداری

به معنی مدیریت تجهیز و تخصیص منابع در بازار پول بوده، عبارت است از: ارائه خدمات و عملیات بانکی در زمینه‌های پولی، مالی و اعتباری، همچون نقل و انتقال پول، نگهداری سرمایه و سپرده اشخاص و به کارگیری آن در جهت رشد و توسعه اقتصادی، صدور بروات و حواله‌های تجاری، اعطای اعتبار و وام به اشخاص، تأمین اعتبار در جهت توسعه بازرگانی، کشاورزی و صنعت، نگاهداری اموال و اوراق بهادار اشخاص، خرید و فروش فلزات قیمتی و ارز و انتشار اسکناس و اوراق بهادار.

نقش شفافیت در ثبات مالی بانکها

امروزه بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و نقش مهم آنها در هدایت اقتصاد کشور نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌هاست. شفافیت مالی، هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌شود. یکی از حوزه‌های مهم در شفافیت، شفافیت در حوزه بانکی است. فعالیت بانکی به طور اجتناب‌ناپذیری مستلزم پذیرش ریسک است. هرگونه آسیب عمومی در مورد یک بانک به سرعت به کل نظام بانکی و حتی نظام اقتصادی کشور سرایت می‌کند. به همین دلیل حفظ اعتماد عمومی به نظام بانکی و جلوگیری از هرگونه نارسایی و بحران در این نظام و جلوگیری از انتقال مشکلات بخش پولی اقتصاد به بخش واقعی، از اهداف اصلی نظارت بر بانک‌هاست. شفافیت اطلاعات مالی و اطلاعاتی بانک‌ها یکی از بااهمیت‌ترین مسائل در ادبیات مالی محسوب می‌شود که اثر زیادی بر اعتماد عامه مردم به نظام بانکی کشورها دارد (امیر اصلانی، ۱۳۹۱: ۵۹).

شفافیت در عملکرد بانکداری

یکی از موضوعات مهم و اساسی در صنعت بانکداری کشور نوع نگاه به نظام بانکی و انتظارات از آن است. این مفهوم که در یک کشور، سیستم بانکی که مجموعه‌ای متشکل از نهادهای ارائه‌دهنده خدمات پولی و بانکی است، ناجی اقتصاد آن کشور قلمداد شود، اساساً تفکر صحیحی نیست. نظام بانکی، به عنوان یک عضو از مجموعه نظام اقتصادی کشور به ایفای نقش پرداخته و در بهترین حالت می‌تواند مأموریت‌های محوله را به نحوی کارا محقق سازد.

دیدگاه‌ها و نظریات درباره‌ی عملکرد بانکداری

آنچه که همه‌ی صاحب نظران اعم از مدافعان و مخالفان عملکرد نظام بانکی بر آن اتفاق نظر دارند این است که از جهت فقهی، هیچ نوع اشکالی بر قانون عملیات بانکداری بدون ربا وارد نیست (میرجلیلی، ۱۳۹۰: ۵۷). قانون بانکداری بدون ربا از نظر وضع مقررات هیچ گونه اشکال شرعی ندارد و آیات عظام نیز آن را تأیید کرده‌اند (رضوانی، ۱۳۸: ۴).

در واقع بانک‌ها سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار را، که بانک در به کار گرفتن آنها از جانب سپرده‌گذار وکیل می‌باشد، در قالب عقود می‌بیند، در جریان فعالیت‌های اقتصادی قرار داده و از این طریق باعث رونق اقتصادی و سودآوری می‌شوند. مدافعان عملکرد نظام بانکی بر این باورند که قریب به اتفاق تمامی فعالیت‌های بانک‌ها براساس همین عقود مذکور انجام می‌پذیرد، در نتیجه جایی برای ربا و بهره در سیستم بانکی نمی‌ماند.

صوری و ظاهری بودن عقود و معاملات بانکی

از فرق‌های اساسی بانکداری ربوی و بانکداری بدون ربا این است که بانکداری ربوی کاری به بخش حقیقی اقتصاد ندارد و در نهایت مؤسسه‌ای برای گردش وجوه است، که براساس الگوی قرض با بهره، به تجهیز و تخصیص منابع پولی در جامعه می‌پردازد. برخلاف بانکداری بدون ربا که به دلیل حرمت بهره و ربا فعالیتش باید در بخش حقیقی اقتصاد باشد.

شفافیت در نظام بانکداری از منظر قانونگذاری

یکی از موضوعات دیگر مقررات گذاری می‌باشد. در ادبیات فارسی این اصطلاح را می‌توان به تنظیم‌گری، ساماندهی، قاعده‌سندسازی، تمشیت، انتظام بخشی و تعدیل برگرداند. مقررات گذاری شامل مجموعه فن‌های که هدف آنها صیانت از پایداری و شایستگی در انجام امور در حوزه‌های خاص تعریف کرد (گرچی، ۱۳۹۳: ۲۲۱).

تاثیرات FATF بر سیستم بانکداری

FATF یا کارگروه اقدام مالی، یک کنوانسیون، توافق بین‌المللی یا معاهده نیست، بلکه یک سازمان بین دولتی است که از ۳۵ کشور و نهاد عضو و دو عضو ناظر (رژیم صهیونیستی و عربستان) تشکیل شده، و خود را یک نهاد «مشورتی» و نه «نظارتی» می‌داند. گروه ویژه اقدام مالی (در پولشویی) یا به اختصار اف ای تی اف FATF، نام یک سازمان بین دولتی است که در سال ۱۹۸۹ با ابتکار جی ۷ با نگرش به سیاست‌های توسعه برای مبارزه با پولشویی تأسیس شد. این سازمان در سال ۲۰۰۱ به کارزار مبارزه با تأمین مالی تروریسم پیوست. دبیرخانه اف ای تی اف مستقر در مقر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در پاریس است. در گذر زمان، فعالیت‌های این گروه گسترده تر شد و در نتیجه در سال ۲۰۱۲ مقابله با تأمین مالی فعالیت‌های اشاع‌های نیز به مأموریت این گروه افزوده شد و در همین سال آخرین ویرایش توصیه‌های خود را برای مقابله با جرایم مالی (تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی فعالیت‌های اشاع‌ای، پولشویی و ...) منتشر کرد.

پیشینه تحقیق

شکوه و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی تحت عنوان تأثیر راهبرد شفافیت، شاخص فساد و ویژگی‌های بانکی بر شاخص رقابت در بانک‌های منتخب بررسی انجام دادند. زمانی که شفافیت نظام بانکی ارتقا می‌یابد، خلأ آگاهی پر می‌شود و باعث بهبود رقابت‌پذیری میان بانک‌ها شده و منجر به سوددهی بیشتر خواهد شد. توجه به رقابت بانکی از این نظر مورد توجه است که با بهبود آن، میزان رشد اقتصادی مثبت شده و بازدهی سیستم اقتصادی را نیز افزایش می‌دهد. به همین خاطر، نگاه به دو مؤلفه شفافیت سیستم بانکی و رقابت‌پذیری بانک‌ها و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، باعث شکوفایی اقتصاد شده و رشد اقتصادی را در جهت مثبت سوق می‌دهد. نتایج حاصله از تخمین مدل نشان می‌دهد که شفافیت بر افزایش رقابت‌پذیری تأثیر مثبت و معنادار داشته و شاخص فساد نیز باعث کاهش شاخص رقابت‌پذیری در بانک‌های منتخب بررسی شده است.

لیلا حسنی و ناصر شاه‌نوشی فروشانی (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با عنوان: "بررسی اثر شفافیت اطلاعات بانک مرکزی بر نرخ تورم در ایران" انجام دادند. نویسنده با این تأکید که صنعت بانکداری در تمام دنیا به عنوان یکی از تاثیرگذارترین نیروی محرک نظام اقتصادی، مطرح بوده است. شفافیت، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی بانک مرکزی را ابزاری کلیدی در سیاست‌های پولی سالهای اخیر دانسته و اشاره نموده: پنهان‌کاری و عدم اطلاع‌رسانی به مردم در رابطه با تصمیمات پولی بانک مرکزی به عدم کارایی سیاست‌های پولی منجر می‌گردد. نویسنده در ادامه به بررسی اثر شفافیت اطلاعاتی بانک مرکزی بر نرخ تورم در ایران پرداخته و با گردآوری داده‌های تحقیق اسنادی خود از سایت بانک مرکزی، به تخمین داده‌ها با استفاده از دو روش اقتصادسنجی OLS و GMM مبادرت

ورزیده است. نتایج تحقیق نشان داده است؛ شفافیت اطلاعات در بانک مرکزی ابزاری بسیار مهم جهت هدایت انتظارات عمومی بر تورم است که سبب کنترل تورم خواهد شد. لذا پیشنهاد گردیده بانک مرکزی ج.ا.ا به مدیریت انتظارات و هدفمند نمودن نرخ تورم اهمیت بیشتری دهد.

امید ستاری (۱۳۹۶)، در رساله دکتری با عنوان: "بررسی شفافیت سیاست پولی و عوامل موثر بر آن در اقتصاد ایران" نوشته؛ وضعیت شفافیت سیاست پولی در ایران بررسی و اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر شفافیت سیاست پولی با استفاده از روش داده‌های تابلویی برای سه دسته‌بندی مختلف از کشورها بررسی شده است. در پایان با طراحی نسخه اصلاح‌شده‌ای از مدل تعادل عمومی پویای تصادفی بر پایه بنیان‌های اقتصاد خرد برای ایران، با استفاده از داده‌های فصلی مربوط به دوره ۱۳۹۳-۱۳۶۹، میزان شفافیت سیاست پولی در ایران برآورد شده است. نتایج تحلیل داده‌های تابلویی نشان داده؛ علی‌رغم آزادی مالی با شفافیت سیاست پولی رابطه غیرمستقیم دارد، آزادی تجاری و آزادی پولی بر شفافیت سیاست پولی در کشورهای با درآمد متوسط شامل ایران اثر مثبت دارند. نتایج به‌دست‌آمده از برآورد مدل تعادل عمومی پویای تصادفی مربوط به ایران نشان می‌دهد که درجه شفافیت سیاست پولی در ایران به‌شدت پایین است که این نتیجه با ارزیابی عملکرد بانک مرکزی در جنبه‌های مختلف شفافیت همخوانی دارد.

روش تحقیق

روش تدوین این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می‌باشد. از لحاظ هدف کاربردی است. پولشویی، بانک، بیمه، نظام حقوقی ایران، نظام حقوقی اتحادیه اروپا. گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. در تحقیق کتابخانه‌ای محقق متناسب با اهداف و سوالات خود اقدام به جمع‌آوری داده‌ها از منابع مرتبط با موضوع می‌نماید و پس از تجزیه و تحلیل آن نسبت به سوالات و فرضیه‌های تحقیق تصمیم مناسب را اتخاذ می‌کند. ابزار گردآوری اطلاعات مورد نظر از منابع کتابخانه‌ای داخلی و خارجی (کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها، پایان نامه‌ها و...) به صورت فیش برداری تهیه و در مرحله نگارش مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجزیه تحلیل اطلاعات بصورت توصیفی- تحلیلی می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

- بررسی تطبیق شفافیت شاخص‌های شفافیت مالی و اقتصادی در نظام بانکی با توجه به قواعد حقوقی موضوعه؛

هدف‌های فرعی

- بررسی تطبیق شاخص‌های شفافیت اطلاعاتی در نظام بانکی با قواعد حقوقی موضوعه؛
- بررسی تطبیق شاخص‌های مشروع بودن عملیات بانکی در نظام بانکی با قواعد حقوقی موضوعه؛
- بررسی تطبیق شاخص‌های شفافیت نظارت بر عملکرد در نظام بانکی با قواعد حقوقی موضوعه؛

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی

به‌نظر می‌رسد شاخص‌های شفافیت مالی و اقتصادی در نظام بانکی با قوانین و مقررات موضوعه منطبق است.

فرضیه‌های فرعی

۱. به‌نظر می‌رسد شاخص‌های شفافیت مالی و اقتصادی در نظام بانکی با قوانین و مقررات موضوعه منطبق است.
۲. به‌نظر می‌رسد شاخص‌های شفافیت اطلاعاتی در نظام بانکی با قوانین و مقررات موضوعه منطبق است.
۳. به‌نظر می‌رسد شاخص‌های مشروع بودن عملیات بانکی در نظام بانکی با قوانین و مقررات موضوعه منطبق است.

نظارت بر سیستم بانکی

سیستم بانکی کشور در چارچوب سه قانون اصلی شامل «قانون پولی و بانکی»، «لایحه قانونی اداره امور بانکهای دولتی» و «قانون بانکداری بدون ربا» فعالیت می‌کند. بر اساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۵۱، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به عنوان تنظیم کننده نظام پولی و اعتباری کشور و ناظر بر سیستم بانکی است. نکته‌ای که در اینجا قابل بررسی است، نحوه نظارت بر عملیات بانک مرکزی و پاسخگویی آن در قبال مسئولیت‌هایی است که به عهده دارد. در این جا مرور تجربه‌ی سایر کشورها نشان می‌دهد که از این نظر بانک‌های مرکزی در جهان به ۳ بخش قابل تقسیم می‌باشند، دسته‌ی اول بانک‌هایی هستند که به دولت پاسخگو بوده و به طور غیرمستقیم در برابر مجلس نیز مسئولیت دارند، دسته‌ی دوم بانک‌هایی هستند که تنها در برابر مجلس پاسخگو می‌باشند و دسته‌ی سوم بانک‌های مرکزی مستقلی هستند که در موارد لزوم و بروز اختلاف به پادشاه و یا ریس کشور مراجعه می‌کنند. از منظر نظارت بر موسسه‌های مالی نیز دو رویه در سطح دنیا موجود است که رویه اول نظارت بانک مرکزی بر مؤسسه‌های پولی و بانکی و رویه دوم جدایی وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی از بانک مرکزی در قالب نهادی مستقل است. نظارت در کشور ما منطبق بر رویه اول است و در کشورهایی نظیر ترکیه و انگلیس روش دوم جاری است (یوسفی، ۱۳۹۵: ۶۲). کشورها به منظور استقلال بیشتر بانک مرکزی و تمرکز بیشتر بر سیاست‌گذاری پولی، وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی را که وظیفه‌ای سنگین و پر مسئولیت است از بانک مرکزی جدا و در قالب یک نهاد مستقل ساماندهی می‌کنند. قوانین ناظر بر عملیات بانک‌ها، به دلیل تعدد و عدم به روز شدن جامعیت کافی برای سیستم بانکی را نداشته و به همین رو از سالها پیش این قوانین در دست بررسی برای تجمیع و به روز شدن است. در کشور ما مقام نظارتی بانک‌ها بانک مرکزی بوده که علاوه بر وظایف سیاست‌گذاری پولی به این مهم نیز می‌پردازد. از سوی دیگر، مقام نظارتی بازار سرمایه، سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد که زیر نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی فعالیت می‌کند. بازار سرمایه‌ی کشور خود در چارچوب قانونی مجزا فعالیت می‌کند. مجموعه عوامل یاد شده، به همراه مدیران وابسته به دولت در رأس بانک مرکزی از یک سو و بانک‌های بزرگ از سوی دیگر، ضعف تکنولوژی در سیستم بانکی کشور و نبود دیدگاه جامع نظارتی در مقام ناظر، نظارت بانکی در کشور را با مشکل مواجه کرده است (شریفی، ۱۳۹۲: ۶۸).

نظارت در بانکداری

یکی از شاخص‌های اصلی ارزیابی سلامت نظام مالی کشور، میزان شفافیت شبکه بانکی است. اگرچه شفافیت در ذات خود و به صورت مستقیم بر عملکرد موفق یا ناموفق یک بانک تاثیر ندارد، ولی کارشناسان اقتصادی به نقش کلیدی شفافیت در تقویت انضباط مالی و کارآمدی این نظام و تاثیرات آن بر روندهای کلی اقتصاد تاکید می‌کنند. از این رو، بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف در فواصل معینی طی سال، اقدام به رتبه‌بندی بانک‌ها برحسب میزان شفافیت می‌کنند؛ امری که در کشور ما علی‌رغم ابلاغ بخشنامه‌ها و مصوبه‌های گوناگون از سوی بانک مرکزی انجام نمی‌شود از آن جهت که با افزایش میزان این شاخص، امکان نظارت اثربخش و کارآمد بانک مرکزی در مدیریت و نظارت بازار پول افزایش می‌یابد و این درحالی است که عمده بانک‌های مرکزی کشورهای توسعه‌یافته برخلاف ایران به دنبال دستیابی و تقویت روزافزون آن قرار دارند. براساس یک تعریف عمومی از کمیته بازل در سال ۱۹۹۸، شفافیت، افشای عمومی اطلاعات قابل اعتماد و زمان‌داری (محدوده زمانی مقرر) است که استفاده‌کنندگان از آن را قادر می‌سازد بررسی دقیق‌تری در رابطه با شرایط و عملکرد، روند فعالیت‌های تجاری انجام شده، ریسک موسسه و سایر موارد مشابه طراحی کنند. طبقا هرچه میزان شفافیت بانک‌ها از درجات بالاتری برخوردار باشد، مرتبطان با این نظام اعم از ذی‌نفعان (هم بانک و هم مشتریان)، رقبا، دولت و بانک مرکزی بیشتر با اهداف، ساختار، عملکرد و نحوه مدیریت و کنترل ریسک اجزای این سیستم آشنا می‌شوند و زمینه‌های برقراری ثبات و سلامت مالی در سطح اقتصاد جامعه بیشتر می‌شود (امامی، ۱۳۹۴: ۸۲). از طرفی شفافیت سیستم بانکی، بستر مناسبی برای برقراری نظارت آحاد جامعه در این موسسات فراهم می‌شود. به‌طور کلی موضوع شفافیت

بانک‌ها از چنان درجه اهمیتی برخوردار است که در ادبیات حرفه‌ای اقتصاد از آن به‌عنوان جوهره، اصل و عصاره موردنظر در فعالیت‌های بانکی یاد می‌شود.

بانکداری فعلی ایران متناسب با ماهیت بانکداری واقعی نیست زیرا از لحاظ اقتصادی توجیه لازم را ندارد و در ضمن مشکل شرعی نیز دارد. کمترین رجوع به کتب فقهی و بخصوص آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که، هر گونه شرط زیاده دریافت بر قرض ربا شمرده می‌شود. بنابراین نمی‌توان گفت ربای محرم در اسلام به نرخهای بهره زیاد اختصاص دارد و نرخ بهره کم ربا نیست (حسن‌زاده، ۱۳۹۰: ۴۴). بعبارتی معاملات پولی و بانکی در کشورهای اسلامی نمی‌تواند مطابق با قوانین متعارف بانکداری دنیا که بطور عمده بر اساس قرض ربوی است باشد. فقهای بزرگوار اسلام بحث قیمت گذاری را در ضمن مساله احتکار و تبانی برای گران فروشی بحث می‌کنند و این بدان معناست که اصل اولی از دیدگاه فقه اسلامی اصل آزادی افراد و بازار در تعیین قیمت کالاها و خدمات است و تنها در شرایط خاص چون احتکار و انحصار و تبانی برای گران فروشی بحث اختیار حاکم اسلامی برای قیمت‌گذاری مطرح می‌شود.

اکثر فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت با استناد به روایات وارده از معصومین (ع)، حتی در شرایط خاص، چون احتکار و تبانی، قائل به ممنوعیت قیمت گذاری از سوی حاکم اسلامی هستند و معتقدند مطلقاً باید قیمت توسط بازار تعیین شود. در نقطه مقابل دیدگاه فقهایی است که در شرایط خاص، قیمت‌گذاری از سوی حاکم اسلامی را با رعایت ضوابطی مجاز می‌شمارند. پیش از تبیین این دیدگاه‌ها و انتخاب دیدگاه مختار، با روایات این بحث که مستند همه فقها است، آشنا می‌شویم. شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید: برای امام و نایب وی جایز نیست که بر کالاهای بازاریان قیمت گذاری کند. چه آن متاع آذوقه باشد یا غیر آذوقه و چه در زمان گرانی باشد یا ارزانی و خلاقی در این مساله نیست. از نبی اکرم (ص) روایت شده است که مردی خدمت ایشان رسیده عرض کرد: بر فروشندگان طعام، نرخ معینی قرار دهید فرمودند: ما دعا- برای گشایش- می‌کنیم، سپس فرد دیگری آمد و عرض کرد: یا رسول الله بر فروشندگان طعام، نرخ مشخصی را مقرر فرمایید؛ فرمودند: این خداوند متعال است که نرخ کالا را بالا یا پایین می‌برد و من امیدوارم خدای را ملاقات کنم درحالی که برای احدی نزد من مظلومه‌ای نباشد. پس با توجه به ثبوت چنین اثری از صاحب شریعت اگر فردی از بازاریان در کم و زیاد نرخ کالا تخلف کرد، کسی حق اعتراض بر وی ندارد (ستاری‌قهفرخی، ۱۳۹۱: ۳۵). چنانچه ملاحظه می‌گردد در باب توجیه جبران زیان وارده بر افراد بر اثر کاهش ارزش پول از دیدگاه شرعی، از سوی فقهای عظام، نظرات مخالف و موافقی عنوان گردیده است که می‌توان من حیث المجموع راهگشای این مشکل اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد. ربا در صدر اسلام با نظام جدید بانکداری مدرن متفاوت است ضمن آنکه بدون وجود بانک نمی‌توان امروز به فعالیت اقتصادی اقدام کرد.

شفافیت در نظارت بانکداری

نظارت فرایندی سه مرحله‌ای است که شامل نظارت بر چگونگی تأسیس بانک یا یک موسسه مالی، نظارت بر نحوه فعالیت و بالأخره اعمال اقدامات اصلاحی برای بهبود وضعیت، حمایت یا مجازات بانک متخلف از قبیل تذکر کتبی، تغییر اعضای هیأت مدیره، اجبار به تزریق سرمایه توسط سهامداران و غیره است. هر چند هزینه نظارت سنگین است، ضعف در نظارت به مراتب هزینه سنگین‌تری در برخواهد داشت. مهم‌ترین رکن نظارت، حفظ ثبات و اعتبار نظام مالی است، زیرا وجود این عوامل سبب کاهش ریسک ضرر و زیان سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است. در این زمینه، ناظران در اجرای وظایف خود باید نظم و انضباط بازار را با اعمال حاکمیت شرکتی^۱، از طریق ساختار مناسب و تنظیم قواعد مربوط به مسئولیت هیأت مدیره و مدیران ارشد و ارتقای سطح شفافیت، مستحکم و تقویت کنند. ناظران باید مطمئن شوند که بانک از منابع مکفی در قبال ریسک تقبل شده از جمله سرمایه کافی، مدیریت صحیح و سیستم کنترل مؤثر برخوردار است. هر چند نظارت خود به خود نمی‌تواند تضمینی برای عدم توقف یا

¹ Corporate Governance

ورشکستگی بانک باشد و وقوع حوادثی از این دست جزئی از ریسک پذیری است اما نکته مهم، چگونگی مقابله و برخورد با ورشکستگی و توقف است.

نظارت بر بانک‌ها، اهمیت و اهداف آن

در مفهوم نظارت می‌توان بیان داشت که ارائه یک تعریف مشخص در این زمینه به سادگی امکانپذیر نمی‌باشد، زیرا نظارت بانکی در برگرفته زمینه‌های مختلفی از فعالیت‌های پیچیده بانک‌ها در جهان امروز می‌باشد. تعاریف موجود در زمینه مورد بحث بسیار متعدد است ولی به جرأت می‌توان ابراز نمود که حفظ ثبات و سلامت مؤسسات مالی، تبعیت از مقررات و حفظ منافع سپرده-گذاران، نکات مشترک تعاریف موجود می‌باشند. نظریه پیچیده بودن بافت مؤسسات مالی مدرن و نیاز همیشگی به تطبیق چارچوبی قانونی با تغییرات بنیانی و ابداعات، اغلب اوقات قانونگذاران، قدرت محدودی در زمینه تدوین مقررات به مسئولین نظارت و تنظیم فعالیت‌های مؤسسات مالی اعطا می‌نمایند. اهمیت نظارت در زمینه مورد بحث از آنجاست که بانک‌ها و مؤسسات مالی واسط میان پساندازکنندگان و مصرف کنندگان نهایی منابع مالی یا بطور کلی منابع پس انداز در جامعه می‌باشند. به عبارت دیگر بانک‌ها از طریق شعب خود نه تنها دارنده اصلی سپرده‌های بخش خصوصی و کانال اولیه اعتبار و سرمایه گذاری‌ها در اقتصاد هستند، بلکه تنظیم کننده عمده مکانیزم پرداخت‌های جامعه نیز محسوب می‌شوند. در ضمن این فعالیت‌ها روی عرضه منابع پولی و اعتباری کشور تأثیر مستقیم دارد، زیرا بانک‌ها مؤسساتی هستند که قدرت ایجاد پول از طریق اعطای تسهیلات را دارند (ماجدی و گلریز، ۱۳۹۰: ۴۸).

جلوگیری از سرایت اثرات زیانبار مشکلات و نارسائی‌های بانک‌ها به بخش‌های دیگر جامعه از دیگر مواردی است که اهمیت نظارت بر بانک‌ها را روشن‌تر می‌سازد. در این رابطه جهت نیل به اهداف سیاست پولی، بانک‌ها همواره از طریق کنترل کلان اقتصادی مانند عملیات بازار باز، نرخ‌های بهره، سقف‌های اعتباری، کنترل‌های مستقیم و تسهیلات تنزیل مجدد، کنترل می‌شوند. بعلاوه «مقررات احتیاطی» یا کنترل‌های در سطح اقتصاد خرد مانند، نسبت‌های نقدینگی و دارائی جاری همواره در این امر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

لذا نظارت، عملکرد هر بانک را جهت کسب اطمینان از اینکه فعالیت آن مطابق با مقررات است، زیر نظر می‌گیرد. این امر به سلامت مالی هر بانک و در نهایت به حفظ یک شبکه بانکی سالم از طریق تأمین امنیت سپرده‌ها و جلوگیری از بحران‌ها منجر می‌گردد. مبحث دیگری که اهمیت نظارت بر بانک‌ها را در زمان حاضر مطرح می‌نماید گام نهادن کشورهای در حال توسعه به مراحل آزادسازی نرخ‌های بهره و انجام سایر تعدیلات اقتصادی است. تجربه کشورهای آمریکای لاتین در دو دهه اخیر نمایانگر آن است که قبل از ورود به مرحله آزادسازی نرخ‌های بانکی، وجود دو شرط مهم و اساسی از جمله وجود ثبات اقتصادی (وضعیت اقتصادی مناسب برای فعالیت بخش خصوصی) و وجود نظارت بانکی کارآمد و قوی از ضروریات می‌باشد. بطور کلی وضع مقررات برای بانک‌ها و نظارت بر چگونگی اجرای این مقررات توسط بانک مرکزی برای حصول به اهدای فای همچون: گسترش خدمات مالی قابل اطمینان و وسیع جهت پاسخگویی به نیازهای اقتصاد؛ حصول اطمینان از اینکه بانک‌ها در برابر نیازها و شکایات مشتریان، کارآمد، قابل اطمینان و تأثیرپذیر هستند؛ کسب اطمینان از اینکه فعالیت بانک با استانداردهای مهم بانکداری هماهنگ می‌باشد؛ و حصول اطمینان از اینکه، عملکرد بانک‌ها مطابق با سیاست‌های پولی و اعتباری است.

اهداف تنظیم نظارت در مقررات گذاری بانکداری

در متون اقتصادی اهداف متعددی برای نظارت و مقررات گذاری بر بازارهای مالی ذکر شده است. اهدافی همچون تقویت یکپارچگی بازارهای مالی، مقررات رقابتی (اصول مربوط به ادغامها و اقدامات ضد رقابتی)، مقررات احتیاطی (نظارت احتیاطی) و ... اما آنچه در بین اکثر متون مشترک است (Digorgio and Carmine Di Noia: 2002)، این است که چهار هدف عمده را برای تنظیم و نظارت می‌توان در نظر گرفت که عبارتند از:

ایمنی و صحت مؤسسات مالی

ایمنی و صحت مؤسسات مالی شامل نظارت قانونی بر ورشکستگی مؤسسات مالی و حفاظت از دارایی مشتریان و همچنین تنظیم مقررات بر ایمنی و صحت مؤسسات مالی می‌باشد که در برگرنده ترکیبی از قوانین و مقررات مصوب و همچنین بررسی و ارزیابی احتیاطی بیشتر در کنار تأکید بر ترغیب و تشویق به جای اقدام اجرایی شامل جریمه و تحریم است (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۴۲).

کاهش ریسک سیستمیک

ریسک سیستمیک بیشتر بر نوعی بی ثباتی در نظام مالی تأکید دارد که در آن شکست در یک موسسه مالی و نکول تعهدات آن به دلیل ارتباط با سایر مؤسسات مالی منجر به سرایت نکول به سایر مؤسسات و علاوه بر این منجر به بی اعتمادی کل مشتریان به نظام مالی خواهد شد. این امر هجوم سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران برای خروج نقدینگی خود از سیستم مالی و ایجاد بحران در نظام مالی را در پی خواهد داشت (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۴۲).

کارایی و منصفانه بودن بازارها

مقررات رقابتی به قوانینی اشاره دارد که هدف آن ایجاد حداکثر مشوق‌های الزم برای مشارکت کنندگان در بازار بر طبق اصول رقابت کامل می‌باشد. بر طبق این اصول، قیمت کالا و خدمات با هزینه منابع تولید آنها سازگاری بالایی داشته و بنابراین تولیدکننده‌ای در این بازار موفق است که کالا و خدمات را با کمترین قیمت و بالاترین کیفیت به مشتریان نهایی می‌رساند. بر این اساس هدف این مقررات گذاری جلوگیری از ایجاد تمرکز در مالکیت و یا تبانی بین عرضه کنندگان در بازار که منجر به ایجاد قیمت‌های انحصاری گردیده و بازار را از حالت رقابتی خارج می‌کند، می‌باشد. مقررات گذاری رقابتی ممکن است بر ساختار بازار نظارت داشته باشد، مثل قوانین مربوط به ادغام‌ها و مالکیت‌ها یا ممکن است بر قوانین ضد رقابتی بازارها نظارت داشته باشد.

حمایت از مشتریان

حمایت از سرمایه‌گذاران تا حدودی مبتنی بر شاخص استفاده شده در بهبود فضای کسب و کار (حمایت از سهامداران خرد) می‌باشد. این شاخص بر موارد زیر تأکید دارد:

- ۱- تنظیم رفتار فعالیت‌های تجاری با مشتریان.
- ۲- تنظیم میزان افشای اطلاعات مربوط به محصولات و خدمات (از قبیل قیمت‌ها، منابع و شرایط تولید آنها).
- ۳- الزام اجرای قراردادهای، ممانعت از تقلب و کلاهبرداری و حل اختلاف‌ها.
- ۴- تنظیم منابع و شرایط تولید کالاها مبتنی بر اهداف سیاسی اجتماعی (پیامدهای جنبی مثبت و منفی)
- ۵- تامین شرایط لازم و ارائه ترتیبات لازم به منظور حمایت از سپرده‌گذاران (و یا دیگر سرمایه‌گذاران) از زیان‌هایی که می‌تواند منجر به بحران مالی شود (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۴۲).

روشهای نظارت بر بانک‌ها

روش نظارت مستقیم (بازرسی در محل)^۲

این روش معمولاً توسط تیم‌های بازرسی صورت می‌پذیرد که از نزدیک بانک بازرسی شونده را جهت ارزیابی اطلاعات واصله از دفاتر، یا مصاحبه با کارکنان آنها تحت بررسی قرار می‌دهند. تعداد بازرسیین یا طول مدت بازرسی می‌تواند بر اساس اندازه و پیچیدگی مؤسسه و طرح بازرسی متفاوت باشد به عنوان مثال درجایی که منابع بازرسی محدود باشد، بازرسیین ممکن است مؤسسات یا فعالیت‌هایی را مورد بازرسی قرار دهند که بیشترین ریسک را برای شبکه بانکی و بانک تحت بازرسی به همراه دارد. اهداف نظارت مستقیم از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. در برخی از کشورها نظارت مستقیم صرفاً اجرای آن گروه از مقررات را در نظر می‌گیرد که در آنها از امنیت و ثبات چشم پوشی شده یا در مراحل فرعی تری قرار گرفته‌اند. این نمونه از عملیات نظارت

² On-Site Inspection

بانکی در اکثر کشورهای سوسیالیستی سابق به چشم می‌خورد و بانک‌ها در وهله اول بصورت کانالی جهت تخصیص اعتبار به طرح-های کلیدی و بخش‌های تولیدی مطرح می‌باشند (Deutsche, 2010). در اکثر کشورها شیوه اعمال نظارت مستقیم بصورت برنامه از پیش تعیین شده صورت می‌پذیرد و گذشته از آن، اعمال نظارت مستقیم بصورت اتفاقی و انتخاب شعب بصورت موردی نیز رایج می‌باشد. اغلب نظارت‌های مستقیم در برگیرنده مراحل از قبیل: ارزیابی مدیریت بانک به کمک دریافت اطلاعات مربوط به آن، بررسی وضعیت مالی بانک در پرداخت دیون و ایفای تعهدات، بررسی کیفیت عملیات بانکی، بررسی عملکرد بانک در رویارویی با انواع ریسک‌ها و بررسی کیفیت دارائی‌ها می‌باشد (Looi Tan, 2012).

روش نظارت غیرمستقیم (بازرسی خارج از محل)^۳

همه سیستم‌های نظارتی متکی بر درجات متفاوتی از دریافت منظم داده‌های اطلاعاتی برای نظارت بر عملکرد مالی مؤسسات تحت بازرسی هستند. نوع این اطلاعات بسته به تعداد و مشخصات مؤسسات مذکور و بالأخص در ارتباط با فعالیت‌های تحت پوشش آنها متغیر است. استفاده از این روش، محدوده وسیعی از عملیات را در بر می‌گیرد: اکثر کشورها از سیستم مورد بحث بر اساس ارائه گزارشات دوره‌ای (هفتگی، ماهانه و ...) و گزارش‌های سالانه (مانند ترازنامه و صورتحساب سود و زیان) استفاده می‌کنند. در این روش از نظارت، ناظرین بانک مرکزی، اطلاعات و آمار مذکور را تجزیه و تحلیل و ارزیابی نموده و گزارشات لازم را برای تصمیم‌گیری‌های بانک مرکزی تهیه می‌نمایند. در اکثر کشورها به دلیل مکانیزه بودن عملیات بانک‌ها و ارسال به موقع و مرتب آمارها توسط آنها، تجزیه و تحلیل‌ها و انعکاس نتایج و در نهایت تصمیم‌گیری‌ها به سرعت انجام می‌پذیرد. از این رو کاربرد این روش از نظارت مرتباً رو به افزایش بوده و در همه کشورها روز به روز بیشتر می‌شود. اهداف اصلی روش نظارت غیرمستقیم آشکارسازی اطلاعات، محدود نمودن فعالیت‌های، تجاری کنترل بر تغییر در عملیات، کنترل ریسک نقدینگی مورد نیاز، نظارت بر کیفیت، نظارت بر کفایت سرمایه، هماهنگی و اشتراک می‌باشد (Basel Committee on Banking Supervision, 2012).

نقش نظارت در سیستم بانکی

معمولاً نظارت پس از وضع مقررات، معنی و مفهوم پیدا می‌کند. لذا نقطه شروع در ارزیابی و نظارت، یافتن معیارهایی است که بتواند کارآمدی^۴ و کارایی^۵ مقررات وضع شده را اندازه‌گیری نماید (Sheng, 2009). لیکن در اندازه‌گیری موارد فوق مشکلات عملی وجود دارد. سودمندی می‌تواند به عنوان توانایی مقررات در تحقق اهداف مورد نظر تعریف شود و کارایی می‌تواند به معنی رسیدن به اهداف با استفاده از ممکن‌ترین راه باشد. مشکلی که در اندازه‌گیری وجود دارد این است که اولاً اهداف مورد نظر اغلب اوقات نامحسوس یا ماهیتاً کیفی هستند؛ برای مثال حفظ اعتماد عمومی به بانک‌ها و یا جدا کردن بخشی از مجموعه مقررات که احتمالاً مربوط به دستیابی به یک هدف خاص هستند، کاری مشکل می‌باشد. در مقابل بخشی از مجموعه مقررات ممکن است رسیدن به چند هدف را پوشش دهد. برای مثال نقش سرمایه تنها به عنوان یک محافظ در برابر حوادث احتمالی نیست، بلکه به رشد بانک کمک کرده و معمولاً اعتماد بوجود می‌آورد زیرا نسبت کفایت سرمایه نمایانگر آن است که بانک در مقابل خطرات احتمالی مقاومت زیادی دارد و منافع سپرده‌گذاران تحت این وضعیت بیشتر حفظ خواهد شد (Zengyin, 2010). امروزه نظارت بانکی از سه بعد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

نقش نظارت در حفظ سلامت شبکه بانکی

وقوع نوسانات سیاسی و اقتصادی در سطح داخلی و بین‌الملل می‌تواند نظام بانکی کشور را با شوک‌های اساسی روبرو نماید. وقوع نوسانات مذکور در اکثر موارد هجوم سپرده‌گذاران برای برداشت‌های ناگهانی سپرده‌ها از بانک‌ها را به دنبال داشته است. حال چنانچه بانکی از دارائی‌های با کیفیت پائین برخوردار باشد در انجام تعهدات خود بویژه استرداد سپرده‌ها با مشکل مواجه شده و

³ Off-Site Monitoring

⁴ Effectiveness

⁵ Efficiency

این وضعیت همان اتفاقی است که همواره بانک‌های مرکزی از پیش آمدن آن نگران هستند و به همین جهت مراقبت و ارزیابی کیفیت دارائی‌های بانکی و مؤسسات اعتباری در برنامه‌ریزی مستمر و غیرمستمر نظارتی بانک مرکزی دارای اولویت بسیار زیاد می‌باشد. برای ارزیابی نقش نظارت در حفظ سلامت شبکه بانک‌ها، عوامل کلیدی ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند: نسبت سرمایه به کل دارائی‌ها، میزان مطالبات معوق و سررسید گذشته، ذخیره‌گیری برای این قبیل مطالبات و راه‌های مقابله با ریسک‌های رایج در فعالیت‌های بانکی (مهدوی‌نجم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۶۳).

نقش نظارت در گسترش رقابت سالم بین بانک‌ها

امروزه نظارت بانکی کارآمد در اکثر کشورهای پیشرفته، گرایش بسوی ایجاد محیطی آزاد و رقابت آمیز که با چارچوب نظارتی دقیق ترکیب شده باشد را مورد تأکید قرار می‌دهد. لازم به ذکر است مقررات ساختاری^۶ در برگیرنده موانع متعددی در برابر رقابت هستند. برای مثال مقررات مربوط به صدور مجوز برای احداث بانک جدید یا گسترش شعب بانک‌های فعلی از این قبیل موارد می‌باشند. در مقابل می‌تواند این طور استدلال شود که مقررات مذکور اساساً دارای ماهیتی نظارتی هستند زیرا آنها جهت جلوگیری از افزایش رقابت طراحی شده‌اند که می‌تواند موجبات کاهش سلامت نظام بانکی را فراهم نماید. با توجه به موارد فوق امروزه از یک سو به مقررات ساختاری که فعالیت‌های مجاز بانکی، اعطای مجوز برای گشایش شعب و آزادی در نرخ‌های بهره را تعیین می‌کند، توجه می‌شود و از سوی دیگر بطور همزمان اعمال مقررات احتیاطی مربوط به کنترل‌های ترازنامه جهت کسب اطمینان از وجود نقدینگی‌کافی و توان باز پرداخت «بدهی» مدنظر قرار می‌گیرند. این امر سبب می‌شود که مجموعه ریسک‌ها در سیستم مورد نظر گسترش نیافته و در عین حال منافعی حاصل از رقابت نیز کسب گردد (عادلی، ۱۳۹۲: ۲۲). به عبارت دیگر باید آنچنان چارچوبی برای بخش مالی تعیین گردد که در عین گسترش رقابت، ورود و خروج از فعالیت‌های مالی به گونه‌ای منظم صورت پذیرفته و در ثبات نظام مالی خللی ایجاد نگردد.

نقش نظارت در اجرای صحیح سیاست‌های پولی و اعتباری

هدف عمده بانک مرکزی از گسترش ساختار با ثبات پولی و مالی، قسمتی از اهداف کلان اقتصادی محسوب می‌گردد که جهت دستیابی به رشد در عرضه کل، اشتغال، سرمایه‌گذاری و مصرف صورت می‌گیرد. در این رابطه وجود ساختار مالی سالم و مستحکم برای اجرای سیاست پولی الزامی است زیرا شبکه بانکی ضعیف و غیر فعال سبب محدود شدن اثرات سیاست پولی در بهبود وضعیت اقتصادی کشور می‌گردد. جهت ارزیابی این نقش از نظارت، استفاده از یکسری نسبت‌های مالی بانک‌ها می‌تواند سودمند بوده و تبعیت بانک‌ها از بخشنامه‌های سیاست پولی را بررسی نماید. در مجموع، برای ارزیابی موفقیت نظارت در حفظ سلامت نظام بانکی و گسترش رقابت عوامل چندی می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند. رقابت مورد نظر نیز می‌بایست با یک چارچوب نظارتی دقیق همراه گردد تا از ایجاد فضایی ناسالم جلوگیری به عمل آید (امامی، ۱۳۹۴: ۳۶). حمایت نظارت بانکی از اجرای صحیح سیاست‌های پولی و اعتباری از معیارهای مهم دیگری است که در ارزیابی نظارت می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

مشکلات و نارسائی‌های فعلی بانکداری در ایران

تجربه بیش از سه دهه اجرای بانکداری بدون ربا در ایران نشان می‌دهد که این الگو گرچه توانسته خلا حاصل از حذف ربا را تا حدودی پر کند لیکن در عمل با چالش‌هایی همراه است، قانون فعلی بانکداری بدون ربا، افزون بر این که برخی از این نیازها را جواب نمی‌دهد یا کامل جواب نمی‌دهد، با برخی نارسائی‌های فنی و شرعی نیز مواجه است. یکی از اشکالات و نارسائی‌های عمده قانون عملیات بانکی بدون ربا، عدم ارائه تعریفی روشن و کاربردی از نظام بانکی و تبیین قلمرو شمول قانون است، همیشه یک قانون مناسب بایستی از جهت قلمرو شمول قانون روشن و گویا باشد، اما این ویژگی در قانون فعلی رعایت نشده است (موسویان، ۱۳۹۰: ۳۵).

⁶ Structural Regulation

تعدد و تنوع عقود

به کارگیری ۱۲ نوع قرارداد، با ماهیت‌های متفاوت غیرانتفاعی، مبادله‌ای با سود معین، مشارکتی با سود متغییر و سرمایه گذاری مستقیم، موجب می‌شود که فرایند آموزش کارکنان و مشتریان بانک‌ها، پیچیده طولانی و پرهزینه شود، این در حالی است که تجربه بانک‌های بدون ربا نشان می‌دهد که با حداکثر پنج یا شش نوع قرارداد هم می‌توان تمام نیازهای مشتریان را جواب داد.

صوری شدن معاملات

گرچه صوری شدن معاملات در بانک‌های بدون ربا علل و عوامل مختلف دارد، لیکن یکی از عوامل مهم آن آموزش ناکافی کارگزاران بانک و عدم تفهیم مناسب مشتریان است، تعدد بیش از حد عقود و پیچیده و پرهزینه شدن فرآیند آموزش موجب می‌شود که کارگزاران بانک اطلاعات کافی و لازم پیرامون کاربرد صحیح عقود نداشته باشند و در نتیجه نتوانند مشتری را متناسب با نیاز واقعی راهنمایی و تفهیم کنند و این وضع باعث می‌شود که خیلی از قراردادهای صوری و غیر واقعی باشند.

عدم تناسب برخی از عقود با ماهیت بانک‌ها

الگوی فعلی بانکداری بدون ربا ایران فرقی بین بانک‌های تجاری که به طور معمول در فعالیت‌های کوتاه مدت تا میان مدت فعالیت می‌کنند با بانک‌های تخصصی سرمایه گذاری که به طور معمول در فعالیت‌های میان مدت تا بلند مدت فعالیت می‌کنند نگذاشته است و تمام عقود برای تمام بانک‌ها اعم از تجاری و تخصصی قابلیت اجرا دارند.

هزینه‌های بالای اجرای صحیح برخی از عقود در بانک‌ها

عقود مشارکتی، به ویژه مشارکت مدنی و مضاربه، همین طور سرمایه گذاری مستقیم احتیاج به ساختار و نیروی انسانی مناسب دارند تا بانک با مطالعه دقیق طرح‌ها از توجیه اقتصادی آنها مطلع شود و در مراحل اجرا و بهره برداری نیز با نظارت و کنترل موثرتر توسط کارشناسان شایسته، بتواند از حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند. این در حالی است که بانک‌های تجاری که در همه بخش‌های اقتصادی فعالیت می‌کنند ساختار و نیروی انسانی متخصص و مناسب برای این کار را ندارند و اگر بخواهند در مرحله‌های مختلف فعالیت کنند، هزینه عملیاتی شان به شدت بالا می‌رود. این در حالی است که این بانک‌ها می‌توانند با تمرکز بر روی عقود مبادله‌ای همه نیازهای مورد انتظار از بانک تجاری را پاسخ دهند.

عدم انطباق ماهیت سپرده‌ها با اهداف و سلیقه سپرده‌گذاران

یک نظام بانکی جامع باید با طراحی انواع سپرده‌ها، توان جذب وجوه مازاد تمام سپرده‌گذاران را داشته باشد. مطالعه اهداف، انگیزه‌ها و روحیات سپرده‌گذاران در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که حداقل با انواع سپرده‌گذاران زیر مواجه هستیم:

(الف) کسانی که برای استفاده از خدمات حساب جاری اقدام به سپرده گذاری می‌کنند.

(ب) کسانی که برای مشارکت در ثواب اعطای قرض الحسنه اقدام به سپرده گذاری می‌کنند.

(پ) کسانی که به قصد پس انداز سپرده گذاری می‌کنند و در عین حال می‌خواهند سودی هم دریافت کنند.

(ت) کسانی که برای کسب سود معین و ثابت سپرده گذاری می‌کنند.

(ث) کسانی که برای رسیدن به سود انتظاری بالاتر سپرده گذاری می‌کنند و آماده پذیرش ریسک هم هستند (محقق، ۱۳۹۳: ۵۰).

الگوی فعلی بانکداری بدون ربا، تنها برای گروه‌های اول و دوم و تا حدودی برای گروه آخر جواب مناسب دارد، ولی نسبت به گروه‌های سوم و چهارم روشی را معرفی نمی‌کند. این در حالی است که در الگوی جدید نشان داده می‌شود که با استفاده از معاملات شرعی برای این دو گروه نیز می‌توان سپرده مناسب طراحی کرد.

عدم تناسب برخی از عقود با مقاصد متقاضیان

مطالعه قراردادهای مشارکت مدنی و مضاربه بانک‌های تجاری نشان می‌دهد که در غالب این موارد، نه بانک و نه متقاضی تسهیلات در صدد مشارکت یا مضاربه واقعی نیستند. در اکثر این موارد به ظاهر قرارداد مشارکت یا مضاربه منعقد می‌گردد، لیکن در عمل هیچ یک از طرفین ملتزم به لوازم آن نیستند.

عدم تعادل نرخ سود سپرده و تسهیلات

این واقعیت را باید به خاطر داشته باشیم، تا وقتی که نرخ بهره (سود) بانکی از نرخ بهره بازار کمتر است، میل وافری برای دریافت تسهیلات از بازار رسمی پول (شبکه بانکی) سرمایه گذاری آن در بازار غیر رسمی وجود دارد و از زاویه دیگری نیز می توان به این موضوع نگریست، در صورتی که فاصله نرخ تورم انتظاری از نرخ بهره بانکی قابل توجه باشد، تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی بسیار پر قدرت ظاهر خواهد شد. در حال حاضر دیدگاه بخشی از آحاد جامعه این است که دسترسی به تسهیلات کلان بانکی، مختص قشر خاصی از جامعه است که از ارتباطات خاصی برخوردارند، یا قادرند برای دریافت تسهیلات از روش های غیر رسمی هزینه نمایند این طرز فکر با فرض اینکه نادرست نیز باشد، نیازمند اصلاح است که افق افکار عمومی تنها با شفاف سازی مراحل پرداخت تسهیلات میسر خواهد شد (موسویان و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۶۸).

درآمد بانک ها

درعین اینکه بانک ها وکیل سپرده گذاران هستند و طبق قرارداد موجود، صرفا در این عملیات، باید حق الوکاله از سپرده گذار دریافت کنند و سود دریافتی از گیرنده تسهیلات، متعلق به سپرده گذار است، بانک ها سود دریافتی از گیرندگان تسهیلات را به عنوان درآمد بانک ثبت می کنند. با وجود عقد وکالت بین بانک و سپرده گذار، سود پرداختی به سپرده گذاران به عنوان رد امانت به سپرده گذار درج نمی شود و به عنوان هزینه ثبت می شود در حالی که بانک امانت دار سپرده گذاران است و باید وجوه حاصله از گیرندگان تسهیلات سرمایه گذاری را به عنوان منابع و وجوه جمع آوری شده متعلق به موکلین خود منظور کند و آن را به موکلین خود منتقل کند و صرفا حق الوکاله را به عنوان درآمد بانک ثبت کند (زرندی مقدم، ۱۳۹۰: ۶۲).

عوامل موثر بر عدم نظارت نظام بانکداری در افزایش نرخ ارز و کاهش ارزش پول ملی

رشد بهره وری

چگونگی اثرگذاری رشد بهره وری بر نرخ واقعی ارز در یک اقتصاد کوچک، با تکنولوژی بازدهی ثابت نسبت به مقیاس در بخش های قابل مبادله و غیرقابل مبادله وهم چنین با فرض قانون قیمت واحد در بازار کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله و نیز با فرض قانون قیمت واحد در بازار کالاهای قابل مبادله و بازار سرمایه، بدین صورت است که با افزایش بهره وری در بخش تولید کالاهای قابل مبادله، بهره وری نیروی کار و در نتیجه دستمزدها در این بخش افزایش می یابد و فرض تحرک کامل نیروی کار در میان بخش ها، سبب افزایش قیمت کالاهای غیرقابل مبادله شده و در نهایت نرخ واقعی ارز را در بلندمدت تقویت می کند (مرادی، ۱۳۸: ۴۴).

رابطه مبادله تجاری

با بدتر شدن رابطه مبادله تجاری (افزایش دائمی قیمت نسبی کالاهای وارداتی)، از یک سو درآمد حقیقی کاهش یافته و در نتیجه تقاضای کالاهای غیرقابل مبادله (و نیز قابل مبادله)، کاهش می یابد (اثر درآمدی) و از سوی دیگر با گران تر شدن کالاهای وارداتی (قابل مبادله) نسبت به کالاهای غیرقابل مبادله و با فرض جانشینی دو کالا در مصرف، تقاضای کالاهای غیرقابل مبادله افزایش خواهد یافت (اثر جایگزینی). همچنین، بخش عرضه نیز در واکنش به تغییر قیمت های نسبی، تولید کالاهای غیرقابل مبادله را افزایش خواهد داد، که این امر مازاد عرضه ناشی از کاهش تقاضا در بازار کالاهای غیرقابل مبادله را تشدید خواهد کرد. حال اگر اثر درآمدی بر اثر جایگزینی غلبه کند، تقاضا و قیمت کالاهای غیرقابل مبادله کاهش یافته و در نتیجه نرخ حقیقی ارز تعادلی تضعیف خواهد شد. در حالت بدتر شدن دائمی رابطه مبادله تجاری، نحوه بروز اثرهای جایگزینی بین دوره های بر نرخ واقعی ارز، ملموس نیست، اما در حالت بدتر شدن موقتی رابطه مبادله تجاری، این اثر از طریق انتقال بخشی از مخارج مصرفی دوره جاری به آینده، بر نرخ حقیقی ارز تأثیر می گذارد. پس تأثیر رابطه مبادله تجاری بر روی نرخ واقعی ارز مبهم است و به غلبه اثر درآمدی بر جانشینی بستگی دارد (میراحسنی، ۱۳۹۲: ۶۷).

قیمت حقیقی نفت

اگر چه آثار تغییر قیمت حقیقی نفت بر نرخ واقعی بلندمدت ارز به طور معمول از طریق تغییرهای رابطه مبادله تجاری نمایان می‌شود، اما به لحاظ اهمیتی که قیمت نفت از دهه ۱۹۷۰ در اقتصاد جهانی یافته، در برخی مطالعه‌ها به عنوان متغیر برون زایی که آثار شوک‌های خارجی را به اقتصاد داخل منتقل می‌کند، مورد توجه قرار گرفته است. فرآیند انتقال آثار تغییر قیمت حقیقی نفت بر نرخ حقیقی ارز به این صورت است که با افزایش قیمت حقیقی نفت، نرخ واقعی ارز کشورهای واردکننده نفت تضعیف شده و در مقابل، نرخ واقعی ارز کشورهای صادرکننده نفت تقویت می‌شود (محمدی‌اقدم، ۱۳۹۲: ۷۶).

جریان های ورود و خروج سرمایه

افزایش ورود سرمایه، خواه در واکنش به متغیرهای اقتصادی داخلی و خارجی و خواه به شکل وام، کمک‌های بلاعوض و یا سرمایه‌گذاری خارجی، به تقویت نرخ واقعی بلندمدت ارز می‌انجامد. افزایش در جریان خالص سرمایه ممکن است به دلایل زیر انجام گرفته باشد:

۱. افزایش کمک‌های بین‌المللی به علت حوادث طبیعی

۲. کاهش در نرخ بهره جهانی

۳. حذف کنترل‌های متعدد بر روی جریان سرمایه

۴. افزایش بدهی‌های عمومی به علت تأمین کسری بودجه از خارج

۵. افزایش برو نزا در وام دهی اعتباردهندگان خارجی

با افزایش ورود سرمایه، تقاضای کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله افزایش می‌یابد. با فرض این که قیمت کالاهای قابل مبادله در یک اقتصاد کوچک در بازارهای جهانی تعیین شده و ثابت است، قیمت کالاهای غیرقابل مبادله افزایش یافته و در نتیجه نرخ واقعی ارز در بلندمدت تقویت می‌شود. البته لازم به ذکر است که اگر با ورود سرمایه، مخارج سرمایه‌گذاری افزایش یافته و سبب توسعه ظرفیت بهره‌وری اقتصاد شود، بر خلاف حالتی که مخارج مصرفی افزایش می‌یابد، تقویت نرخ واقعی ارز، در بلندمدت نشان‌دهنده بهبود سطح رقابت‌پذیری در اقتصاد خواهد بود (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۴).

سیاست‌های تجاری

در زمینه رابطه بین سیاست‌های تجاری و نرخ واقعی ارز، نظریه سنتی پذیرفته شده عبارت از این است که با کاهش سطح تعرفه‌ها در یک اقتصاد کوچک، حفظ موازنه خارجی در بلندمدت، مستلزم تضعیف نرخ واقعی ارز است. این استدلال بر مبنای تفسیر تعادل جزئی روش کشش‌ها بوده و بیان می‌کند که کاهش تعرفه‌ها منجر به کاهش قیمت داخلی کالاهای وارداتی شده و تقاضای آن را افزایش می‌دهد. افزایش واردات دلیل بروز عدم تعادل در اقتصاد خارجی می‌شود، بنابراین با فرض صادق بودن شرط مارشال لرنر، نرخ واقعی ارز در بلندمدت تضعیف خواهد شد. ضعف عمده استدلال مذکور این است که ایستا بوده و آثار بین دوره‌ای و نقش کالاهای غیرقابل مبادله را در نظر نمی‌گیرد، از سوی دیگر، سیاست‌های حمایتی به شکل موانع تعرفه‌ای و یا غیر تعرفه‌ای، قیمت نسبی کالاهای وارداتی را افزایش داده و با فرض جانشینی کالاهای وارداتی و کالاهای غیرقابل مبادله در مصرف، منجر به افزایش تقاضا و قیمت کالاهای غیرقابل مبادله شده و در نتیجه نرخ حقیقی ارز را در بلندمدت تقویت می‌کند. به علاوه، به دنبال اعمال سیاست‌های حمایتی، واردات کاهش یافته و کسری (مازاد) حساب جاری کاهش (افزایش) می‌یابد، که این امر در بلندمدت تقویت نرخ حقیقی ارز را تشدید می‌کند (برومندجری و مهرکرام، ۱۳۹۳: ۵۹).

اندازه دولت

اگر مخارج دولت از طریق خلق پول تأمین شود، هیچ اثر بلندمدتی بر نرخ واقعی ارز نخواهد داشت. در حقیقت، در اینجا جنبه واقعی سیاست مالی که به طور عمده به ترکیب تقاضای دولت برای کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله مربوط می‌شود، مورد توجه قرار می‌گیرد. افزایش مخارج دولت برای کالاهای غیرقابل مبادله که از طریق وضع «مالیات یک جا»، تأمین مالی می‌شود،

قیمت کالاهای غیرقابل مبادله را افزایش داده و نیرویی در جهت تقویت نرخ واقعی بلندمدت ارز وارد می‌کند. از سوی دیگر، تقاضای بخش خصوصی برای کالاهای غیرقابل مبادله به دلیل وضع مالیات جدید (که تقاضای کالاهای قابل مبادله را نیز کاهش می‌دهد) کاهش یافته و نیز افزایش قیمت این کالاها، کاهش می‌یابد، که این امر سبب تضعیف نرخ واقعی بلندمدت ارز خواهد بود. حال بسته به آن که خالص افزایش و کاهش تقاضای کالاهای غیرقابل مبادله، مثبت یا منفی باشد ارز در بلندمدت خواهد شد. البته از آن جا که افزایش تقاضای دولت برای کالاهای غیرقابل مبادله به طور معمول بیش از کاهش تقاضای بخش خصوصی برای این کالاهاست (زیرا میل نهایی به مصرف دولت به طور معمول بزرگ تر از بخش خصوصی است)، تقویت نرخ واقعی ارز در بلندمدت به ویژه در مورد کشورهای در حال توسعه که اندازه دولت در آن‌ها بزرگ است، محتمل تر است (نجارزاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲).

انباشت سرمایه

به طور معمول متغیر انباشت سرمایه، به عنوان یکی از متغیرهای طرف عرضه اقتصاد، در مدل های تبیین رفتار نرخ واقعی ارز مورد توجه قرار می‌گیرد. با افزایش انباشت سرمایه، توان تولیدی اقتصاد ارتقاء یافته و عرضه کالاها و خدمات افزایش می‌یابد. حال اگر افزایش سرمایه‌گذاری در بخش غیرقابل مبادله انجام شده باشد، عرضه کالاهای غیرقابل مبادله افزایش یافته و در نتیجه قیمت آن‌ها در بازار داخلی کاهش خواهد یافت، که این امر به مفهوم تضعیف نرخ واقعی ارز در بلندمدت خواهد بود. اگر چه افزایش در سرمایه‌گذاری در بخش قابل مبادله به طور مستقیم نرخ واقعی تعادلی بلندمدت ارز را متأثر نمی‌کند، اما از آن جا که افزایش سرمایه‌گذاری سبب رشد سطح بهره‌وری می‌شود، لذا به طور غیرمستقیم، نیرویی در جهت تقویت نرخ واقعی تعادلی ارز وارد می‌کند. با این وجود، در کشورهای در حال توسعه، به دلیل وابستگی ساختار تولیدی آن‌ها به واردات، افزایش سرمایه‌گذاری در هر بخش که باشد، منجر به افزایش واردات، کسری تجاری و در نهایت تضعیف نرخ واقعی بلندمدت ارز خواهد شد (طیّبی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳).

عدم شفافیت سیستم بانکی مانعی بر سرمایه‌گذاری خارجی

سلامت مالی بانک‌ها موضوعی است که در این سال‌ها بارها مورد بحث و تردید کارشناسان قرار گرفته است. فقدان یک سیستم شفاف مالی، عدم ارائه ترازنامه‌ها و نبود چارچوب‌ها و زیرساخت‌های قانونی که بتواند وضعیت کنونی سیستم بانکی را تشریح کند، باعث شده تردیدها درباره چگونگی عملکرد بانک‌ها و میزان سوددهی واقعی و کفایت سرمایه آنها بیش از پیش افزایش یابد. این تردیدها زمانی افزایش می‌یابد که در سال‌های اخیر شاهد بروز فسادهای مختلف بوده‌ایم که همگی آنها به‌نوعی با سیستم بانکی کشور ارتباط داشته‌اند. اکثر بازرگانان و کارشناسانی که با هیات‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی مذاکره می‌کنند، معتقدند علت اصلی عدم استقبال مناسب طرف‌های خارجی از طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی ایران بیش از هر عامل دیگری عدم شفافیت سیستم مالی و بانکی و در نتیجه بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری در کشور است. در این گزارش علاوه بر توضیح اهمیت شفافیت به بررسی سه مولفه اصلی از میان ده‌ها مولفه اثرگذار بر شفافیت بانکی پرداخته شده و با توجه به نتایج به دست آمده، میزان شفافیت بانک‌ها ارزیابی شده است. براساس نتایج گزارش، تنها پنج بانک؛ پاسارگاد، پارسیان، خاورمیانه، پست‌بانک ایران و اقتصاد نوین در رده بانک‌های شفاف قرار گرفته و وضعیت در دیگر بانک‌های کشور چندان شفاف نیست. اهمیت جدی گرفتن این مساله نه فقط سیستم بانکی، بلکه تاثیرات این سیستم بر بازخوردهای اقتصادی- اجتماعی است. بنابراین برای جلوگیری از چنین رخدادهایی که به‌طور مستقیم اقتصاد را درگیر و اعتماد مردم به اقتصاد و سیستم بانکی را سلب می‌کند، لازم است وضعیت شفافیت نظام بانکی ایران مشخص و هشدارهای لازم داده شود. نکته قابل تامل هم اینکه، تقریباً اغلب بانک‌ها و موسسات مالی که دارای کمترین شفافیت مالی هستند، اولاً به لحاظ حجم فعالیت و اندازه بنگاه، بزرگ‌ترین بانک‌های کشور هستند و ثانیاً مالکیت عمده این بانک‌ها و موسسات در اختیار دولت است (شاهرخی، ۱۳۹۵: ۳۹).

نتیجه‌گیری

امروزه بانک‌ها یکی از اصلی‌ترین ارکان اقتصادی هر کشور محسوب می‌شوند. حفظ سلامت و ثبات بانک‌ها و نقش مهم آنها در هدایت اقتصاد کشور نیازمند شفافیت مناسب در بانک‌هاست. شفافیت مالی و اطلاعاتی، هزینه‌های معاملاتی را کاهش می‌دهد و موجب بهبود روابط اقتصادی می‌شود. یکی از حوزه‌های مهم در شفافیت، شفافیت در حوزه بانکی است. فعالیت بانکی به طور اجتناب‌ناپذیری مستلزم پذیرش ریسک است. هرگونه آسیب عمومی در مورد یک بانک به سرعت به کل نظام بانکی و حتی نظام اقتصادی کشور سرایت می‌کند. ایجاد اتاق شیشه‌ای و شفافیت مالی همه بانک‌های دولتی و خصوصی و تبعیت همه بانک‌ها از الزامات و استانداردهای مالی در سطح دنیاست و همچنین شفاف سازی کامل بازار بورس، به نفع دولت و مردم است و مشخص می‌کند که بانک‌ها در اجرای تکالیف قانونی چه میزان از سپرده‌های مردم را صرف پرداخت تسهیلات تکلیفی کرده‌اند و چه میزان منابع بانکی صرف سایر تسهیلات غیرتکلیفی یا بنگاه داری و مداخله در بازار سرمایه شده و به تفکیک چه میزان از تسهیلات تکلیفی و تسهیلات غیرتکلیفی، معوق و یا سوخت شده‌اند.

پاسخ به فرضیه‌های پژوهش

پاسخ به فرضیه اصلی:

مهم‌ترین اصلی که در نظام بانکداری مهم و ضروری است. اصل شفافیت است. در صورتی که شفافیت و اصول حاکم بر آن مطابق با قوانین تعیین شده در حقوق موضوع و احکام فقهی اسلامی پیش بروند. مشکلی بوجود نخواهد آمد. و نظام بانکداری با توجه به اصل شفافیت و پیروی از اصول فقهی اسلامی با در اختیار قرار دادن منابع مالی مورد نیاز بخش‌ها و سازمان‌ها می‌تواند زمینه توسعه کشور را در سایر بخش‌ها را فراهم کند. صنعت بانکداری مخصوصاً در جوامع اسلامی، اگر سیاست‌های خود را در جهت همسوئی با اهداف نظام اقتصادی و بانکداری اسلامی هموار سازد و فرآیند تجهیز منابع و تخصیص تسهیلات را به صورتی کاملاً شفاف و منطبق با قوانین و قواعد حقوقی داخلی که بیشتر مبتنی بر مبانی حقوقی و فقهی قرار دهد؛ موجب افزایش مسئولیت‌پذیری، بهبود عملکرد نهادهای مالی، آشتی بیشتر مردم - به عنوان صاحبان سرمایه‌های خرد و کلان - با بانک‌ها، مشارکت حداکثری آنها در سرمایه‌گذاری و تعامل با بانک‌ها خواهد شد و از تمایل سرمایه‌های نقدی به طرف بازارهای غیر رسمی، رانت جوئی در اقتصاد و یا خروج منابع از کشور تا حد زیادی خواهد کاست.

پاسخ به فرضیه‌های فرعی اول:

شاخص‌ها و راهکارهای تحقق شفافیت مالی و اقتصادی در بانک‌ها بسیار متفاوت است. چرا که شرایط در حال تغییر است. بسیاری از عوامل و شاخص‌ها در بحث شفافیت در نظام حقوقی بانکداری مطرح است که مهم‌ترین آنها می‌توان به بحث نظارت، حکمرانی، مشروعیت، شفافیت اطلاعاتی، نرخ بهره بانکی و ... نام برد. که با رعایت هر کدام از آنها می‌تواند عملکرد شفاف از سیستم پولی و بانکی کشور به تصویر کشید و موجبات افزایش مسئولیت‌پذیری و رفع پنهان کاری، بهبود عملکرد نهادهای مالی، مشارکت حداکثری مردم در سرمایه‌گذاری و تعامل با بانک‌ها و متعاقباً رونق تولید و اقتصاد را فراهم آورد. در نظام بانکداری غیر ربوی جمهوری اسلامی ایران شاخص‌های شفافیت اقتصادی مواردی چون: لزوم همسوئی بانک‌ها با اهداف نظام اقتصادی و بانکداری اسلامی، لزوم دستیابی به ثبات اقتصادی و لزوم برقراری عدالت اقتصادی از حیث حفظ حقوق و کرامت مشتریان، عدم جایگزینی روابط به جای ضوابط، عدالت در تخصیص منابع و توزیع عادلانه تسهیلات، رعایت اعتدال در تامین سود و کسب درآمد بانک‌ها و عدالت در رفتار با بدهکاران عمده بانکی و شفافیت مالی، مواردی چون: لزوم افشای عمومی و شفافیت گزارش عملکرد، صورت‌های مالی و ترازنامه سالیانه بانک‌ها را در بردارند، که تماماً با قوانین حقوقی و قواعد کاربردی آن در حوزه معاملات و بانکداری قابل تحلیل و بررسی می‌باشند. بنابراین فرضیه فرعی اول با توجه به مبانی که در ارتباط با آن در متن تحلیلی پژوهش توضیح و تفسیر شد مورد تایید است.

پاسخ به فرضیه‌های فرعی دوم:

با نتایجی که از تحلیل به دست آمد به این نکته مهم دست یافتیم که نظام بانکداری ایران، هنوز شفافیت در اطلاعات بانکی با وجود الکترونیکی بودن شفاف نیست. چرا که هر ساله اختلاس‌های چندصد میلیاردی در بانکها اتفاق می‌افتد. که این نشان از این دارد که اطلاعات هنوز بطور کلی شفافیت ندارند. اما به طور نسبی تا حدودی گردش‌های مالی تحت کنترل قرار گرفته است. اما با وجود نظارت‌های که صورت گرفته نشان می‌دهد. که بانکداری ایران هنوز شفافیت اطلاعاتی لازم برخوردار نیست. بنابراین فرضیه فرعی دوم با توجه به مبانی که در ارتباط با آن در متن تحلیلی پژوهش توضیح و تفسیر شد رد می‌شود.

پاسخ به فرضیه‌های فرعی سوم:

مشروع بودن در نظام بانکداری یعنی انجام عملیات بانکی چه از لحاظ تدوین قراردادهای، چه از لحاظ انعقاد قراردادهای، چگونگی اخذ وام به مشتریان، سود سپرده و ... متناسب با قوانین فقهی و حقوقی باشند. با تحلیلی که انجام شد به این نتیجه مهم دست یافتیم که برخی از بانکها عملیات بانکی خود را منطبق با اصول تعیین شده انجام می‌دهند. برخی از بانکها بخصوص بانکهای خصوصی از مشروع بودن فاصله گرفته‌اند. چرا که هم از لحاظ انعقاد قراردادهای و هم از لحاظ نرخ بهره بانکی و سود سپردها و همچنین سودهای اخذ شده از مشتریانی که وام دریافت کرده‌اند. متناسب نیست. بنابراین این فرضیه هم مورد تایید واقع نشد.

پاسخ به فرضیه‌های فرعی چهارم:

شفافیت مالی بانکها هم در افزایش نظارت همگانی مردم و مشتریان بر بانکها بسیار موثر است و هم انضباط مالی بانکها را تقویت می‌کند. شفافیت مالی و آگاهی عموم مردم از عملکرد مالی بانکها و همچنین تبعیت مالی بانکها و موسسات اعتباری از استانداردهای حسابداری و مالی قابل اطمینان، از اصول شناخته شده بانکداری بین المللی است. بنابراین از شفافیت مالی بانکها نایستی هراس داشت، بلکه برعکس باید شرایطی فراهم آورد که همه بانکهای دولتی، خصوصی و خصوصی به سوی شفاف سازی عملکرد مالی خود حرکت کنند. شاخص‌های نظارت بر عملکرد بانکها با تکیه بر مواردی مبتنی بر نظارت بر نحوه تاسیس، عملکرد و فعالیت بانکهای ایران به منظور حفظ اعتماد افکار عمومی داخلی و خارجی به سیستم بانکی کشور، بررسی بانکهای خصوصی و دولتی و بررسی بدهی‌های دولت و مردم به بانکها قابل ارزیابی است. بنابراین فرضیه فرعی چهارم مورد تایید است.

پیشنهادهای

- شفافیت نقش کلیدی در نظام راهبردی بانکها دارد. بانکها با چالش‌های راهبردی اساسی مواجه هستند. زیرا باید بین تقاضای سهام‌داران برای حداکثرسازی ارزش شرکت با منفعت عامه تعادل برقرار کنند. بنابراین لازم است که مطابق قوانین تعیین شده کلیه مبادلات و اطلاعات مالی خود را بر مبنای شفافیت و مطابق قوانین انجام دهند.

- در هر بخش از اقتصاد بخصوص در بانکها بحث نظارت و ارزیابی بسیار مهم است. چرا که با نظارت عملیات مالی در بانکها به طور صحیحی انجام می‌پذیرد. و بانکها خود را ملزم به پاسخگویی می‌کنند. بنابراین لازم است که سازکارهای مهم‌تری در بحث نظارت در بانکها اتخاذ شود.

- در حال حاضر داده و اطلاعات در شبکه بانکی مانند یک غنیمت است. غنیمتی که سازمانها و ارگان‌های مختلف به راحتی بین یکدیگر تقسیم نمی‌کنند. و یک نوع گرو کشی بین دستگاه‌های اطلاعاتی کشور وجود دارد. که باعث می‌شود حاکمیت به عنوان یک کل واحد هیچ اشرفی بر شرایط اقتصاد ایران و اطلاعاتی که در این زمینه وجود دارد حتی مراودات مالی که صورت می‌گیرد نداشته باشد. بنابراین لازم است که یک شبکه بانکی قوی و متمرکز مطابق با قوانین کشور در نظام بانکی وجود داشته باشد. تا خدشه‌ای بر سیستم بانکی و در کل اقتصاد بوجود نیاید.

- با نگاه تخصصی‌تر وقتی بانکها در شبکه بانکی ماهی چند میلیارد تسهیلات می‌دهد اگر این تسهیلات به صورت شفاف منتشر و در اختیار همه قرار گیرد، فشار افکار عمومی باعث می‌شود فساد در بانکها کاهش پیدا کند. همچنین مساله دیگری که وجود دارد

آنکه این دیتا زمانی که در اختیار مجری و ناظران قرار می‌گیرد امکان برنامه ریزی این دیتا به راحتی فراهم می‌شود. و این امکان را بوجود می‌آورد تا که سیاست‌گذار و کسی که در دولت تصمیم‌گیری می‌کند بتواند متوجه شود که اعتبارات بانکی به کدام سمت رفته است در حوزه خدمات، بازگانی، تولید و... است.

- اطلاع عامه مردم از عملکرد شفاف مالی بانک‌ها از مصادیق حقوق ملت است که در بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی به عنوان یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی بدین گونه مورد تصریح قرار گرفته است. هر شخصی که در بانک سرمایه‌گذاری می‌کند و یا تراکنش‌های بانکی خود را در آن انجام می‌دهد حق دسترسی به اطلاعات عمومی بانکی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد. استفاده از اطلاعات شفاف بانکی یا انتشار آنها تابع قوانین و مقررات مربوط خواهد بود. «و ایضا «اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است باید علاوه بر موارد قانونی موجود شفاف به آگاهی مردم برسد. بنابراین پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها برای اینکه اعتبار بیشتری نزد مردم داشته باشند. می‌بایست اطلاعات مالی و اطلاعاتی خود را بطور شفاف و آنچه که قانون تعیین کرده است در اختیار مردم قرار بدهند.

- یکی از شاخص‌های مهم در نظام بانکی که از منظر فقهی نیز بسیار مهم است. بحث بهره بانکی است. چرا که از دیدگاه فقها و حقوقدانان بهره بانکی می‌بایست مطابق با اصول و معیارهای اسلامی باشد. و اطلاعات شفاف بانکی در این زمینه بسیار کمک می‌کند. که مردم بتوانند اعتماد بیشتری به نظام بانکی داشته باشند. در این راستا پیشنهاد می‌شود که بانک‌ها مطابق با دستورات فقهی نرخ بهره بانکی خود را متناسب با شرایط و با در نظر گرفتن اسلامی بودن خود رعایت کنند.

- آگاهی از عملکرد همه بانک‌ها، حق مردم است، زیرا مردم سپرده‌های خود را با اطمینان به بانک‌های دولتی، خصوصی و خصولتی می‌سپارند، اما این سپرده‌ها نه متعلق به بانک‌های سپرده‌پذیر و نه متعلق به دولت است، بلکه شرعاً و قانوناً متعلق به سپرده‌گذاران است که به بانک سپرده‌اند تا به وکالت و یا به عنوان شریک سپرده‌گذاران در عملیات مجاز و مشروع بانکی به کار گیرد و کسب سود کند و سود حاصل از این عملیات بانکی را به نسبت مدت و مبلغ سپرده بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم نماید. همچنین در بانک‌های خصوصی و خصولتی علاوه بر سپرده‌گذاران، سهامداران بانک‌ها هستند که باید بدانند عملکرد شفاف و تراز مالی بانک چه تأثیری بر کاهش یا افزایش قیمت بازار سهام و سود سهام داشته است. بنابراین مردم و مشتریان بانک‌ها حق دارند که از تراز مالی بانک‌ها و موسسات اعتباری آگاهی یابند و در جریان باشند که بانک‌ها، سپرده‌ها و سرمایه‌گذاری مردم را چگونه در عملیات بانکی به کار گرفته‌اند.

منابع و مأخذ

الف: منبع فارسی

- ۱- امامی، سید حسن. (۱۳۹۱). حقوق مدنی، جلد ۱، ناشر: کتاب فروشی اسلامیه.
- ۲- امیر اصلانی، اسدالله. (۱۳۹۱). عملکرد و مشکلات عملیات بانکداری بدون ربا، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های سومین سمینار بانکداری اسلامی، تهران، بانک مرکزی.
- ۳- السان، مصطفی. (۱۳۹۲). حقوق بانکی، چاپ اول، زمستان، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ۴- ابراهیمی سالاری، تقی، گریوانی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۱). بررسی مبانی فقهی بیمه سپرده‌های بانکی، اولین همایش ملی سرمایه‌گذاری و تولید ملی.
- ۵- امامی، ارسطو. (۱۳۹۴). بررسی روند تحولات سیستم بانکی دنیا، ارائه شده به پنجمین سمینار سیاست‌های پولی و ارزی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۶- بیدآباد، بیژن. (۱۳۹۰). بانکداری مشارکت در سود و زیان و زیر سیستم‌های مشارکت مالی مضاربه و مشارکت مالی جعله، بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۴.

- ۷- برومند جزئی شهرام، مهرکرام آزاد. (۱۳۹۳). *اثر کسری بودجه و نرخ ارز بر کسری حساب جاری تراز پرداخت‌های خارجی ایران*، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره سوم.
- ۸- باقری، محمود، ابراهیمی، مریم. (۱۳۹۱). *مطالعه تطبیقی منع ربا در حقوق کشورهای اسلامی*.
- ۹- بهرامی، مهناز؛ امین‌آزاد، امیرحسین. (۱۳۹۰). *راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران*، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری، اداری و مقررات بانکی.
- ۱۰- بازمحمدی، حسین. (۱۳۹۲). *اصلاح ساختار نظام بانکی در راستای ساماندهی بازارهای مالی رسمی در ایران*، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی.
- ۱۱- به‌کیش، محمد مهدی. (۱۳۹۱). *اقتصاد چیست؟*، نشر نی، چاپ ششم.
- ۱۲- بجنوردی، سید محمد. (۱۳۹۰). *گزارش پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، توسعه.
- ۱۳- برجی، مریم؛ غلامی‌پور، علی. (۱۳۹۷). *مزایا و معایب پیوستن ایران به سازمان FATF*، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در علوم انسانی، چالش‌ها و راه حل‌ها.
- ۱۴- حیدری، حسن، عزیزنژاد، صمد. (۱۳۹۰). *بررسی جایگاه بیمه سپرده‌ها در کارکرد نظام بانکی و الزامات راه‌اندازی آن در ایران*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران، شماره مسلسل.
- ۱۵- حسین‌زاده بحرینی، محمدحسین. (۱۳۹۲). *بانکداری اسلامی: مانع یا زمینه‌ساز توسعه؟*، مشهد: همایش اقتصاد اسلامی و توسعه.
- ۱۶- خاوری، محمودرضا. (۱۳۹۳). *حقوق بانکی*، ناشر مؤسسه بانکداری ایران، چاپ ششم.
- ۱۷- داوری، مجیدرضا. (۱۳۹۱). *حاکمیت شرکتی در بانک‌ها و نقش بانک مرکزی در اجرای آن*.
- ۱۸- دشتی، محمد. (۱۳۸۶). *امام علی (ع) و اقتصاد*، چاپ اول، قم: انتشارات مشهور.
- ۱۹- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). *فرهنگ دهخدا*، جلد سی و پنج، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰- درویشی، ابراهیم. (۱۳۹۰). *ماهیت حقوقی حساب‌های بانکی موضوع ماده ۳ ق.ع.ب.ب. ر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.
- ۲۱- رضوانی، غلامرضا. (۱۳۸۹). *گزارش پانزدهمین همایش بانکداری اسلامی*، توسعه.
- ۲۲- رضوانی، غلامرضا. (۱۳۹۲). *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های پنجمین سمینار بانکداری اسلامی*، تهران، بانک مرکزی.
- ۲۳- زرندی مقدم، محسن. (۱۳۹۰). *نقد و نظر درباره بانکداری اسلامی*، بانک و اقتصاد شماره.
- ۲۴- زاهدی، نساء و پور قره‌خان، رضا. (۱۳۹۵). *منابع مالی داعش*، دوفصلنامه سیاستنامه مفید.
- ۲۵- علیزاده، ژیلدا. (۱۳۹۰). *گزارشی از همایش مدیریت ریسک در بانک‌ها*، مجله بانک و اقتصاد، ش ۸۸.
- ۲۶- عیوضلو، حسین. (۱۳۹۲). *مبانی فقهی - اقتصادی بانکداری و تامین مالی اسلامی* (مجموعه مقالات و سخنرانی‌ها).
- ۲۷- عالی‌پور، حسن. (۱۳۹۵). *اهمیت روابط با گروه ویژه اقدام مالی در پسابرجام*، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نوزدهم، شماره اول.
- ۲۸- غفاری، هادی. (۱۳۹۳). *جایگاه و نقش دولت در نظام‌های اقتصادی*، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ سوم.
- ۲۹- قالیباف اصل، حسن؛ جمشیدی ویسمه، مهسا. (۱۳۹۶). *شفافیت در اقتصاد و تأثیر آن بر کارایی و توسعه بازار سرمایه*، فصلنامه اقتصاد و توسعه.
- ۳۰- قبادی، فرخ و فریبرز رئیس‌دانا. (۱۳۹۲). *«پول و تورم»*، انتشارات پیشبرد.
- ۳۱- قوامی، حسن. (۳۹۱). *رویکردی نوین در بانکداری اسلامی: انطباق نظریه بازی‌ها در عقود مشارکتی*.

۳۲- کردنائیج، مهناز و شمیری، فاطمه. (۱۳۹۷). *مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، معاونت و قوانین انتشار و تنقیح تدوین، مقررات ریاست جمهوری، انتشار، و چاپ اداره چاپ چهارم، ویراست دوم.

ب: منابع عربی

- ۱- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- ۲- شهید اول. (۱۳۸۶). *لمعه دمشقیه*، کتاب دین، چاپ پنجم.
- ۳- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۵ش). *الکافی*، چاپ هفتم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۵ ش.

ج: منابع انگلیسی

1. Bronwen, Morgan, Yeung, Karen. (2007). *An introduction to law and Regulation*, Cambridge University, p 3.
2. Basel Committee on Banking Supervision (2012). *Cpnsultative Documents of the Basel Committee on Banking Supervision*, The Basel New Capital Accord.
3. Barry, B, (2006) *Political Argument*, New York, Humanities press, p 226-27.
4. Cartwright, Peter, (2004) *Banks, Consumers and Regulation*, Hart publishing oxford, p 23.
5. Digiorgio and Carmine Di Noia. (2002). *financial regulation and supervision in thr Euro Area*, A Four Peak Proposal, Wharthon Financial Institution Center.
6. Deutsche Bundesbank (2010). *Development of Bank Supervision after the Second Worsdwar*, Banking Act of the Federal Republic of Germany, Special series, NO 2.
7. Goldring, J, (2005). *Consumer Law and Legal Theory: Reflections of a common Lawyer*, journal of Consumer Policy, vol 13, Issue 2, p 129.
8. Howells, G, (2005). *Consumer Product Safety*, Publisher: Dartmouth pub co, p 17.
9. Investor Protection, 2012, London, Butterworths, p 38.
10. John Rawls, (2005). *A Theory of Justice*, Harvard University press. P 278-280.
11. Looi Tan. Gaik (2012). *Banking Regulation and Supervision in Malaysia*, Institution of European Finance, University of Wales Bangor, England.
12. Sheng, Andrew (2009). *Bank Supervision Principles and Practice*. Economic Development Institute (EDI) of the World Bank, Washington D. C.
13. Wilhelmsson, T, (2004). *Consumer Law and social justice in I Ramsay*, Consumer Law in the Global Economy. National and international dimensions, Aldershot, Ashgate, p 18.
14. Wihelmsson, T, (2008). *Social Force Majeure, A New Concept in Nordic Consumer Law*, journal of Consumer policy, vol 13, Issue 1, p 1.
15. Ziegel s brief to the Canadian senate committee on poverty, cited in D cayne and M Trebilcock, (2004). *Market Considerations in the Formulation of consumer protection policy*, University of Toronto Law, p 41.
16. Zengyin, Tong (2010). *Role of Regulation and Supervision of the Central Bank*.